

صد خانواده حکومنگران ایران
خاندان آیت الله زاده مازندرانی

۲

شیخ عبدالله حائری در دوره رضا شاه
اداره امور صوفیان را عهده دار میبود و در ۱۲
اسفند ۱۳۱۶ عمرش بپایان رسید .
رحمت علیشاه حائری دارای فرزندانی
سرشناسی بوده است که از آن جمله اند :
هادی حائری سوی معاون پیشین وزارت
فرهنگ و رئیس اوقاف و از فرهنگیان قدیمی
کشور است .

وحید دستگردی مدیر مجله ارمغان در
شماره هشتم سال یازدهم مجله ارمغان او را
چنین معرفی میکند : میرزا هادی حائری
متخلص به هادی یکی از فضیلاي معاصر و شعرای

هادی حائری

عصر حاضر ، علم و هنر را به وراثت و اکتساب اندوخته و در مکتب طبع و تربیت درس
عشق و تجرد آموخته است . نیای وی سلطان شریعت آیت الله فی ارضه حاجی شیخ زین
العابدین مازندرانی اعلی الله مقامه و پدر وی رهبر طریقت و برهان حقیقت آقا شیخ
عبدالله مدللہ ظلله العالی است و در سنه ۱۳۰۹ قمری هجری متولد و علوم قدیمه و جدیده
را در مدارس قدیم و جدید از اساتید فن مانند میرزا علی محمد حکمی اصفهانی و میرزا
حسن کرمانشاهی و میرزا مسیح طالقانی و دیگران بخوبی فرا گرفته است .

علوم ادبیه را از ادبای معاصر خود مخصوصاً " ادیب الممالک فراهانی که سرآمد
امثال واقرانست آموخته و ادیب الممالک در اشعار خویش او را مدح گفته از جمله :

ای در طریقت عشق بر خلق گشته هادی بدرالهدور گردون صدر الصدور نادی
از بسکه حضرتت را مبسوط شد ایادی اندر بساط فضلت گردون بود منادی ...
مولفات وی تاکنون عبارتست از یک دوره اخلاق جدید و قدیم و یک دوره فلسفه شامل کتاب
" معرفت النفس و منطق قدیم و حدیث و اخلاق و مابعدالطبیعه مشتمل حکمت شرقی و غربی

در مسجد بالاسر ضریح معصومه (ع) بخاکش سپردند .

در این مطالب ، نکات مبهمی دیده می شود که بایستی روشن گردد وقتی از اقامت ۱۴ سال ابن الشیخ در هندوستان سخن پیش می آید منزوی می نویسد : (برخورد با ملت های گوناگون او را به سیاست استعماری غرب آگاه کرد و به آزادی خواهی کشاند . . .) سیاست استعماری آدمی را به آزادی خواهی نمی کشاند مگر اینکه نظر نویسنده این باشد که بیدادگریها و آزادی کشی های استعمار او را متوجه آزادی خواهی میکند باصطلاح آزادی خواهی آنتی تز (استعمار) بوده تا با کمک نیروهای بندگان مردم زنجیرهای بردگی را گسست . گفتیم او پس ۱۴ سال اقامت در هندوستان و آشنائی به رموز کار استعمار درست زمانی به عراق و ایران باز می گردد که رویدادهای سیاسی ، استعمار انگلیس در صحنه سیاست ایران را ضعیف کرده بود .

نبرد سنگین انگلیس در آفریقا با بوئرها استعمار روس را در ایران نیرومند ساخته در مدت کوتاهی استوارترین و حساسترین پایگاهها بدست تزاریسم افتاده بود ، قرار گرفتن علی اصغر اتابک صدر اعظم روس گرا در راس امور ، چیرگی دیویزیون قزاق و چیرگسی درباریان موقعیت بریتانیا را در ایران متزلزل کرده بود قدرت روسیان تابدانجا افزایش یافته بود که در بندرعباس دست اندر کار ساختن تاسیسات نظامی دریایی بودند . عقاب جنوب به خرس شمال هشدار داد که پا از گلیم خود فراتر دراز کرده است بهتر است با قرار داد ۱۹۰۷ مناطق دو استعمار در ایران محدود شود ولی تزار بایسن پیشنهاد روی خوش نشان نداد .

در روزهای آخر پادشاهی ناصرالدین شاه وقتی گروهی با مبارزه پی گیر و بی پروایانه و آشتی ناپذیر با (منارشیسم) می جنگیدند گروهی از شخصیتها و مردم آگاه میگفتند گمان نمی رود با رفتن ناصرالدین شاه کاری از پیش رود ولی با آمدن مظفرالدین شاه معلوم شد با جابجا شدن قدرت بسیار کارها بسود مردم انجام می گیرد .

مظفرالدین شاه مردی نیک نفس دارای احساس لطیف دینی می بود از اینرو وقتی سفیر بداندیش ایران در اسلامبول از شاه برای کشتن سید جمال الدین اسدآبادی اجازه می خواهد شاه رد میکند .

وجود چنین پادشاه تگانی به لایه اندیشمند و آزاده و بیدار دل و حق طلب مردم داد تا بتوانند حکومت قانون را جانشین حکومت زور کنند .

در اینموقع در ایران یک جنبش بزرگ و گسترده پیدا شد " در مشروطیت ایران دو گروه با دو هدف جدا و مخالف یکدیگر شرکت داشتند گروهی از اشراف و طبقه توانگر و

و نیز مجموعه مفصلی مسمی به تاریخ فلسفه و فلاسفه ... دیوان اشعارش در حدود سه چهار هزار بیت است . دیگر از فرزندان شیخ عبدالله مصطفی حائری از قضات عالیرتبه وزارت دادگستری خانم حائری از فرهنگیان نام آور و خانم زکیه حائری (رهنما) که با پسر عموبش زین العابدین رهنما ازدواج کرده است .

ابن الشیخ (محمد حائری)

یکی دیگر از فرزندان سرشناس آیت الله مازندرانی ، آقا شیخ محمد معروف به (ابن شیخ) است ابن شیخ تحصیلات خود را در کربلا نزد پدر و سپس سایر مدرسان میاآموزد سپس راه هندوستان پیش می گیرد پس از سالیان دراز اقامت در هند بدنبال سفر لرد گزن نایب السلطنه هند به خلیج فارس و سپس عراق سفر میکند ، راه ایران را پیش میگیرد . در زمره روحانیون مشروطه طلب درمی آید با یک سیاست محافظه کارانه و کجدار و مریز فعالیت سیاسی خود را آغاز میکند .

علینقی منزوی نویسنده و کتابشناس معروف ضمن معرفی سفرنامه خطی ابن الشیخ در باره نویسنده کتاب چنین می نویسد : شیخ محمد حائری معروف به ابن الشیخ سومین پسر شیخ زین العابدین معروف به آیت الله مازندرانی پسر مسلم با فروش مازندرانی میباشد ... او در کربلا بسال ۱۲۸۲ ق نزد پدر علم آموخت و پس از مرگ پدر (۱۳۰۸) شاگرد میرزا حبیب الله رشتی بود و پس از مرگ او (۱۳۱۲ ق) بخواش مریدان پدرش به هندوستان رفت و در پیرامون چهارده سال در آنجا بماند . برخورد با ملت های گوناگون او را به سیاست استعماری غرب آگاه کرد و به آزادیخواهی کشانید و پس از بازگشت به ایران با مشروطه خواهان همکاری کرد و پس از بمباران مجلس در (۲ تیر ۱۲۸۷ = ۲۳ ج ۱۳۲۶) و تسلط شاه بر مردم وی بنجف رفته روحانیون آنجا آخوند محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی را به هواخواهی از مشروطیت تشویق میکرد . ولی چنانکه میدانیم روزگار سیاه که بنام " استبداد صغیر " خوانده شده کوتاه بود و در (۵ اردیبهشت ۱۲۸۸ = ۲۴۱۴ ۲۴۲۷ ق) قزوین بدست آزادیخواهان افتاد و سپس در (۲۵ تیر ۱۲۸۸ = ۲۷ ج ۱۳۲۷ ق) تهران نیز بدست مردم افتاد و شاه فرار کرد و مجلس دوم گشوده شد . پس آزادیخواهان بکشور بازگشتند و ابن الشیخ نیز از نجف به ایران بازگشت و از طرف دولت ملی بعنوان رئیس دیوان کشور منصوب و دو سال این کار را انجام میداد . ولسی توانست با مسیوپرنی مستشار فرانسوی دادگستری همکاری کند و از کار کناره گرفت . و سپس مدتی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار باو واگذار شد و از آن نیز کناره گرفت . و در پیرامون سال (۱۳۴۰ ق) بقم رفت و در ۲۳ ج ۲ - ۱۳۵۰ ق . بسکته قلبی درگذشت و

سیاستمدار و حکمران و فتووال و آخوند که هدفشان از مشروطیت جابجا کردن قدرت در خارج محدود مردم و دموکراسی می بود ، آنها میخواستند قدرت سیاسی را از دست توانگران پادشاهان و مستبدان بگیرند بی آنکه به مردم بدهند منارشی را تبدیل به الیگارش می کنند . در آغاز امپریالیسم سیاه و پس از موافقت قرار داد ۱۹۰۷ ، تزاریسم با این دگرگونی همداستان می بودند گروهی از الیگارش می ایران ، تنی چند از اشراف با وجدان و سیاستگران انسان دوست و حق طلب ، لایه هائی میانه و روشنفکر و رزمندگان ملی و قهرمانان آزادی هدفشان از انقلاب مشروطیت ، تبدیل حکومت فردی به همگانی باصطلاح استقرار دموکراسی می بود "

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱۹

و از اشغال ایران جلوگیری بعمل می آمد .

۶- وقتی در یادداشت سوم پیشنهاد تعویض متخصصین آلمانی با اتباع انگلیس و روس بدولت داده شد بایستی از این پیشنهاد استقبال میکرد و با وجود موافقت اتل وزیر مختار آلمان که دوستانه حاضر شده بود دولت آلمان با اخراج تقریباً تمام آلمانیها موافقت کند قدمی بود که هم سوءظن متفقین را رفع میکرد و هم رسوائی که پس از اشغال پیش آمد و بطرز بسیار زندهای آلمانیها و خانواده آنها را اخراج کردند انجام نمیگردید .

۷- اگر بجای آقای منصور اشخاصی مثل مرحوم فروغی یا مرحوم ساعد نخست وزیر بودند بجای اعمال غرض و دورویی که در تمام مدت یادداشت ها تا سوم شهریور از رفتار منصور هویداست با یک روش عاقلانه و وطن پرستانه و صمیمی به اعلیحضرت رضا شاه گزارش میدادند از این پیش آمد بدبختی کشور جلوگیری می شد .

آنچه معروف است منصور به دوستی با انگلیسها مشهور بود شاید بهمین جهت بود که اعلیحضرت فقید تصور میکرد ایشان با سرسپردگی که به انگلیسها دارد بتواند آنها را قانع کند که مزاحم کشور و شخص شاه نشوند چون از بدو امر مسلم بود که تمام نقشه ها را انگلیسها طرح میکردند و در بدو امر روسها موافق نبودند و باصرار انگلیسها در اقدامات شرکت کردند . اما منصور بجای خدمت بشاه در پیشرفت تصمیمات و نظرات انگلیسها و دشمنی هاشان با اعلیحضرت رضا شاه کمک میکرد . شاید یک حس انتقام و کینه توزی هم در کار بود . توقیف و حبس شدن در زمان وزارت راه را نباید از نظر دور داشت . گرچه ایشان در آن محاکمه به عللی تبرئه شدند ولی اثرات آن در بدنامی ایشان باقی بود .

برای خاتمه این بحث همان طور که در سطور بالا تذکر دادم اینک متن بیانات اعلیحضرت محمد رضا شاه آریامهر شاهنشاهی در کتاب نقش ایران در جنگ دوم درج شده برای اطلاع خوانندگان و تأیید عرایض خود که جلوگیری از اشغال کشور میسر بود ذیلاً "